

ادبیات ، رسانه ها و سیستمهای اطلاعاتی

مَت بنت*
ترجمه گودرز میرانی

Literature,
Media,
Information
systems

- Literature, Media,
Information systems
- Fredrich Kittler
- The Netherlands:
G+B Arts International
- 1997

Fredrich Kittler

پرتال جامع علوم انسانی

آثاری که بدون شک با دیدگاههای بین رشته‌ای درباره مطالعه رسانه‌های جدید متناسب و مرتبط اند. پروژه کیتلر را می‌توان تلاشی برای به کارگیری روش‌های قرائت دانست که در مطالعات ادبی (خصوصاً مطالعه مدرنیسم) درباره «چشم‌انداز رسانه‌های مدرن» بسط و توسعه می‌یابند. (P. ۴۵) [این تلاش همچنین می‌تواند] در جهت قرائت ادبیات در نسبتش با فناوری و به این طریق ارائه توصیفی جدید برای فن آوری باشد. ممکن است از خود بپرسیم که شرایط این پروژه چه محدودیتهایی را بر تفکر کیتلر درباره فن آوری تحمیل می‌کند. اما نخست لازم است درباره طیفی از مطالبی که بر قرائتهای او تأثیر می‌گذارد، آگاهی بیابیم.

تحت عنوان «نظریه ادبی» دسته‌بندی می‌شود. کیتلر ادبیات و نظریه را در درون تاریخ فن آوری ارتباطات جای می‌دهد (به عبارت کلی، حرکتی از نوشتن به رسانه‌های مکانیکی، و پس از رسانه‌های مکانیکی به «رسانه جهانی محاسبه‌گری (P. ۱۲۶) اما مواد نظری او - به ویژه آثار روانکاوا معاصر ژاک لاکان - نیز بر «توصیف» فناوری‌های رسانه‌ای تأثیر می‌گذارند، توصیفی که «از دیگر سو»، زبان فنی - علمی نظریه اطلاعات را آن تأیید و حمایت می‌کند. بنابراین «آثار فنی» کیتلر کتابی است که بیشتر این مقالات از آن اقتباس شده‌اند آثار نظری دقیقی را در بر می‌گیرد، آثاری که ممکن است او را از نقد ادبی بسیار دور کنند. در این مفهوم ممکن است آثار او را فراتر از [یک اثر] ادبی تعبیر کنند،

فریدریش کیتلر استاد مؤسسه زیبایی‌شناسی دانشگاه برلین است. اثر او را باید تاریخ ادبی توصیف کرد، او متخصص دوره‌های رمانتیسم و مدرنیسم است. اما کانون توجه این اثر از شکل‌های سنتی تاریخ ادبی فراتر می‌رود. کیتلر متون ادبی را در نسبتش با فناوری - یا اگر رادیکالتر برخورد کنیم، به منزله مواردی از فن آوری - قرائت می‌کند. این نوع قرائت برگرفته از طیف گسترده‌ای از منابع نظری است. چشمگیریترین ویژگی اثر کیتلر جمع کردن برخی موضوعات و روشهای مهم پساساختارگرایی فرانسوی در کنار هم است. همان گونه که مقالات این مجموعه نشان می‌دهند؛ اندیشه او درباره ادبیات، تاملی درباره متون انتقادی و فلسفی نیز هست، که در بافت انگلو - امریکایی،

دغدغه فوکو، سیستمها بود؛

به عبارتی

مجموعه‌ای از عناصری

(مواد، نهادهایی)

که معنا را می‌سازند

و در همان حال

سوزه‌هایی را خلق می‌کنند

که دریافت‌کننده آن معانی‌اند

رویکرد کیتلر به متون ادبی علناً تحت تأثیر آثار میشل فوکو است. این آثار یک روش تحقیق تاریخی را ارائه می‌کند که می‌کوشد فراتر از تفسیر متون و احیای معنا گام بردارد و به سوی شناخت «شرایط» معنا (نه آن چه گفته شد بلکه این واقعیت که اصلاً چیزی گفته شد) حرکت کند. دغدغه فوکو سیستمها بود، به عبارتی مجموعه‌ای از عناصری (مواد، نهادهایی) که معنا را می‌سازند و در همان حال سوزه‌هایی را خلق می‌کنند که دریافت‌کننده آن معانی‌اند. قرائتهای کیتلر از این الگو پیروی می‌کنند. پرسشهایی در مورد محتوا در جهت یک تحقیق اثبات‌گرایانه درباره شرایط تاریخی و فنی متن و از همه مهم‌تر، شرایط فنی به حالت تعلیق درآمده‌اند.

از نظر کیتلر شرط «بنیادین» همه معنا و همه دلالت، وجود روشهای فنی است که برحسب این روشها، اطلاعات (داده‌ها) به دست می‌آیند، ذخیره و انتقال داده می‌شوند. کل ارتباطات دارای یک بُعد است که ممکن است به زبان کاملاً فنی تشریح شود و این بُعد ماهیت ارتباط را تعیین و مشخص می‌سازد. همان طور که کیتلر در اصلاح نظر فوکو مطرح می‌سازد «دستکاریهای به لحاظ فنی ممکن تعیین می‌کنند که چه چیزی تبدیل به گفتمان بشود.» (Kittler, ۱۹۹۰: ۲۳۲)

مفهوم فوکو از گفتمان به منزله مجموعه‌ای از عناصر، بسیار ساده شده است، در حالی که «ضدانسان‌گرایی» فوکو، توجه او به شیوه‌های ساخت سوبژکتیویته - در خدمت توصیف کیتلر از فناوری (یا شرایط گفتمان تکنولوژیک) قرار می‌گیرد. رسانه‌ها، در فنی‌ترین تعریف ممکن، «موقعیت ما را تعیین می‌کنند» (p. ۲۹). آنها صرفاً آن چه را قابل انتقال یا شناخت است، تعیین نمی‌کنند، آنها چیزی را تعیین می‌کنند که ما آن را هویت خودمان تلقی می‌کنیم. «انسان»، خالق رسانه‌ها نیست؛ بلکه به مثابه سوزه فناوری و ماشینهای دلالت‌گر پا به عرصه وجود می‌گذارد. انسانیت نتوانسته دستگاههای اطلاعاتی خلق کند، بلکه برعکس سوزۀ آنهاست. (P. ۱۴۳)

این موضوع از طریق درگیری نزدیک با روان‌کاوی، «روان‌کاوی ساختاری» ژاک لاکان،

بسط و توسعه می‌یابد. تعبیر لاکان از فروید که تحت هدایت و تأثیر زبان‌شناسی، سبیرنیتیک و ریاضیات است، روان‌کاوی را به صورت نظریه (یا نتیجه تاریخی)... چشم‌انداز رسانه‌های مدرن نشان می‌دهد. (P. ۴۵) کشف فروید در مورد ضمیر ناخودآگاه با پیدایش رسانه‌های مکانیکی جدید (گرامافون، فیلم و دستگاه تایپ) همزمان بود؛ الگوی فکری او نشانگر «دوگانگی آغازین فناوری‌های رسانه‌ای مدرن» است. (P. ۱۶۰) تقسیم‌بندی میان خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم‌بندی عملکرد یک دستگاه (مثلاً پروژکتور نمایش فیلم) و خطای حسی و معنایی پدید آمده از آن عملکرد است. بنابراین، هنگامی که لاکان ناخودآگاه را یک ماشین توصیف می‌کند، صرفاً یک تمثیل نیست:

«ناخودآگاه... دارای وضعیتی تکنولوژیک

است» (P. ۷۹)

اگر کیتلر توجه خود را به جنبه‌هایی از کار لاکان جلب می‌کند که به ما اجازه می‌دهد تا به روان‌کاوی جایگاهی تاریخی دهیم، الگویی از روابط بین فناوری و سوبژکتیویته را نیز از او اخذ می‌کند. روان‌کاوی به یک باره ترکیبی می‌شود از نتیجه تاریخی و نظریه، به عبارتی حقیقتی جهان‌شمول. مسئله سوبژکتیویته تنها به بهای ثبات شدید شرایط، قابل طرح است، همان گونه که موضوعات تراژیک روان‌کاوی لاکان جایگاهی جدید و تکنیکی یافت.

فناوری که با ناخودآگاه هم ذات تلقی می‌شود، شکل فنی بسیار خالصی می‌گیرد: چاپ اوزالید، نمودار مدار، «الگوی زیبای بیت‌ها» (P. ۳۱) زیبا، زیرا کاملاً مستقل است، همیشه از درک شدن می‌گریزد، دقیقاً به این دلیل که بر کل ادراک از راه دور کنترل دارد. (P. ۳۰) فناوری‌هایی که... به اصطلاح انسانیت را به درون می‌کشند و آن را تصاحب می‌کنند، توصیف‌گری از خود را غیرممکن می‌سازند (P. ۲۸). با وجود این، اندکی از این ناخودآگاه تکنولوژیک به درون نوشتار نشت می‌کند: «آن قدری که دیگر نمی‌توان در هیچ کتابی پیدایش کرد... به سختی می‌توان آن را در کتابها ثبت کرد» (P. ۲۹: تأکید از من). برای

کشف فروید

در مورد ضمیر ناخودآگاه

با پیدایش

رسانه‌های مکانیکی جدید

(گرامافون، فیلم و دستگاه تایپ)

همزمان بود

تقسیم بندی

میان خودآگاه و ناخودآگاه

تقسیم بندی عملکرد

یک دستگاه

(مثلاً پروژکتور نمایش فیلم)

و خطای حسی و معنایی

پدید آمده از آن عملکرد است

اگر چه رسانه‌ها تعیین می‌کنند که

چه چیزی واقعیت را

تشکیل می‌دهد

و همیشه جلوتر از

زیبایی‌شناسی‌اند،

اما آن قدر جلو نیستند که

روشی انتقادی

برگرفته از مطالعات ادبی نتواند

چیزی از واقعیت آنها را

آشکار سازد

هسته پروژه کیتلر است که سبب تأمل او بر فناوری می‌شود. شرط تاریخی مدرنیسم، مانند شرط روان‌کاوی، پیدایش رسانه‌های ماشینی است که «انحصار ذخیره‌سازی» نوشتار را می‌شکند. هر چند نوشتن، یک رسانه جهانی بود. اما نمی‌تواند به منزله یک رسانه درک شود. بررسی‌های مدرنیستها برگرداندن نوشتار بر خودش، تعلیق مرجع و معنا. فقط برای نشان دادن بعد مادی نوشتار است. «زیبایی‌شناسی ضربه روحی» مبتنی است بر تقلید از نظم نوین فنی. از طریق این تقلید، راهبرد حیاتی نخبگان فرهنگی (یا دقیق‌تر بگوییم، بخش ناراضی نخبگان) و شناخت معینی از فناوری‌های جدید به دست می‌آید: «تصویری شبح‌وار از زمان حال‌مان به منزله آینده» (P. ۲۹)

کیتلر مصمم است تا از مدرنیسم درس بگیرد، تا شکلی از قرائت را به وجود آورد که نشانگر روابط بین متن و آنگار و رسانه‌های فنی باشد که شرط [تحقق] آن است. شرط تحقیق ادبی او این است که او با آشکار ساختن زیبایی‌شناسی مدرنیست به منزله یک راهکار تقلیدی می‌تواند آن راهکار را برای انجام مقاصد خود به کار گیرد و نهایتاً آن را به یک نوشتار غیر قابل دیدن در قالب ریزتراشه گسترش دهد، چرخش او به سوی امر فنی، توسل او به نظریه اطلاعات و ریاضیات در قالب یک راهکار به ویژه زیبایی‌شناسانه، شکل گرفته است. اگر چه رسانه‌ها تعیین می‌کنند که چه چیزی واقعیت را تشکیل می‌دهد و همیشه جلوتر از زیبایی‌شناسی‌اند، اما آن قدر جلو نیستند که روشی انتقادی برگرفته از مطالعات ادبی نتواند چیزی از واقعیت آنها را آشکار سازد.

مشکلات این طرز تلقی زمانی دیده می‌شوند که، در دو مقاله پایانی مجموعه مورد بحث، کیتلر توجهش را به زمان حال معطوف می‌کند، به «رسانه فنی محاسبه جهانی یا رایانه» (P. ۱۳۴) «رایانه به منزله وسیله‌ای که هم می‌نویسد و هم می‌خواند، رسانه‌ای است که مانع از دخالت انسان می‌شود؛ در هسته فنی آن، اطلاعات به ماده و ماده به اطلاعات تبدیل می‌شود» (P. ۱۲۶) «بستار کاملی که مستلزم فرمانبرداری کامل از کاربرانش است. اما حقیقت این انقیاد به واسطه وجود لایه‌های

ایجاد شکلی از نوشتار که از طریق آن، بخشی از واقعیت رسانه‌ها قابل بازنمایی باشد، کیتلر به نظریه اطلاعات روی می‌آورد. فوکو در برداشتی که از «شبکه» دارد. اتصال فناوری‌ها، نشانه‌ها و بدلهای دلالت‌گر، که پردازش اطلاعات را ممکن می‌سازند (و ضامن چهار عملکرد اصلی و مهم منبع، فرستنده، مجرا و گیرنده‌اند). با شانون (Claude Shannon) تضاد پیدا می‌کند. گفتمان انتقادی در جای مناسب خود و در مجاورت گفتمان فنی قرار گرفته است؛ با وجود این «ساختارگرایی به منزله یک نظریه، از آغاز سده بیستم تاکنون فقط آن چه را از طریق مجراهای اطلاعاتی به دست آمده است، توضیح می‌دهد. (P. ۴۵)

پیرو مثال لاکان که علاقه اولیه به سبیرنتیک راه را برای او هموار کرد تا ناخودآگاه را به شکل ریاضی توصیف کند، کیتلر معتقد است که ناخودآگاه تکنولوژیک عصر ما، رسانه جهانی محاسبه‌گری، تنها به قیمت «انفجار کامل... زبان» به دست می‌آید. (P. ۱۵۷) در سلطه نوپای فناوری‌ها بر دانش و زیبایی‌شناسی، فقط اطلاعات است که ارزش دارد. (P. ۱۰۶). اطلاعاتی که باید به شکل ریاضی ارائه شود. «همه چیز به رقم تبدیل می‌شود» (P. ۳۲)

بنابراین این نوشتارهای فنی، کاوش سرحدات نوشتار و شکست آن‌اند. ترکیب نظری قدرتمند فقط نشانگر ناتوانی درک و نابودی نقش منتقد است. «ما از طریق گفتمان صحبت می‌کنیم، می‌نویسیم...» (P. ۱۲۸) اما گفتمان در حال حاضر معلول یک واقعیت فنی است که خود از گفتمان می‌گریزد (از این رو است که فرد در مقام سوزه یا زیردست شرکت مایکروسافت، می‌نویسد» (P. ۱۵۶)

با وجود این، کیتلر هنوز هم یک منتقد ادبی است. بخش اعظم این مقالات به ادبیات می‌پردازند و قرائت‌هایی از متون ادبی‌اند. این روش ممکن است یا نقد سنتی در تضاد باشد، اما هدف همان هدف قبلی است. فرو ریختن صحنه نوشتار (یا صحنه خواندن و نوشتن) از «درون» همین صحنه قابل درک است. خصوصاً از طریق مطالعه مدرنیسم می‌توان به آن پی برد. این موضوع ادبی - تاریخی

کیتلر با تعمق در ریزتراشه،

قدرت را می‌بیند،

یک دیوان سالاری غرق در

سیلیکن

باید کوشید

تا از روش معمول درک قدرت

به منزله کارکردی از «جامعه»

دست کشید

و بر عکس، تلاش کرد

از ساختارهای

تراشه، جامعه‌شناسی ساخت

نرم‌افزاری، از دید کاربران پنهان است: «فلسفه جامعه به اصطلاح رایانه‌ای به طور نظام‌مندی تمایل دارد که سخت‌افزار را با نرم‌افزار ببوشاند» (P. ۱۵۰)

کیتلر بر آن است تا از درون یک صحنه نوشتاری تغییر یافته - صحنه واژه‌پردازی - مسئله توهم نرم‌افزار را حل کند و بنیان فنی آن، یعنی ریزتراشه‌ها، را در «استقلال زیبایی‌شان»، آشکار سازد. (P. ۴۲) به دلیل طیف متفاوتی از مطالب نظیر کتابهای برنامه نویسی و نشریات مربوط به این صنعت، ادبیات کنار گذاشته می‌شود (p. ۱۵۷) دقت در این متون واقعیتی را نشان می‌دهد که در پس نرم‌افزار نهفته است: یک ساختار، سازمانی از دلالت‌های الکترونیک (P. ۱۵۰) که نه تنها کاملاً خودکار و مستقل است، بلکه برای جلوگیری از دسترسی کاربران به آن «طراحی» شده است.

کیتلر با تعمق در ریزتراشه، قدرت را می‌بیند، یک دیوان‌سالاری غرق در سیلیکن (P. ۱۶۲) نوشتار فنی ظاهراً به سمت وضعیتی انتقادی‌تر، یقیناً «پارانویایی - انتقادی» پیش می‌رود. باید کوشید تا از روش معمول درک قدرت به منزله کارکردی از «جامعه» دست کشید و بر عکس، تلاش کرد از ساختارهای تراشه جامعه‌شناسی ساخت. اما این عقیده که یک برنامه انتقادی، «سیاست دانش» می‌تواند از طریق تأمل در تراشه‌ها به تنهایی پدید آید، نشان دهنده محدودیتهای راهکار مدرنیستی تقلید است. تطهیر این مرحله از فناوری - آنچه جان فکت آن را بت «خود» فناوری در ویژگیهای درونی‌اش توصیف می‌کند - سیاست دانش کیتلر را به بیان صرف شباهتها محدود می‌سازد: «می‌توان یک کنترل‌گر نصب شده» را در تمام قفل دربهایی هتلهای پیشرفته نیویورک تشخیص داد. (P. ۱۶۲) جداسازی و بت‌واره کردن امر فنی معلول موضع‌گیری فردشناسنده است. «حداقل برای منتقد ادبی روشن می‌شود که این عرصه نظامی، استراتژیک علم اطلاعات، آینده بزرگی پیش رو دارد» (۱۶۵). این واژه‌ها به رغم مطابیه گون بودن‌شان میلی را تأیید می‌کنند، میل سوژه زیبایی‌شناسی برای حفظ استقلال خود. در تقویت این میل، فناوری به صورت لغزشهای مستقل و تقلیدی زیبا در درون شناختی ساده و غیر انتقادی تولید می‌شود. منتقد ادبی تبدیل به یک تکنیسین یا یک مهندس می‌شود. بدون احساسی نوستالژیک

از توهم معنا دست کشیده می‌شود. اما جایگاه تأمل آزاد حفظ می‌شود.

پی نوشت:

University of Sussex
* Matt Bennet,

منبع:

Kittler (1990). Discourse
Friedrich
Networks 1800/1900, trans.
and Cullens. Standford:
University Press M. Meteor
Standford

Media in the CIS A Study of the Political, Legislative and Socioeconomic Framework.

Y. Lange

- Media in the CIS:
A Study of the Political, Legislative
and Socioeconomic Framework.
- Y. Lange (ed)
- Dusseldorf: The European Institute
for the Media
- 1997, 289 pp.

«برنامه دموکراسی برای کمک فنی به دولتهای مستقل مشترک المنافع وابسته به اتحادیه اروپا»، پنج سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به «مؤسسه اروپایی رسانه‌ها» مأموریت داد که با تألیف این کتاب، به بررسی وضعیت مطبوعات و رادیو و تلویزیون در دوازده جمهوری از دولتهای مستقل مشترک المنافع بپردازد. در این کتاب،

فصول جداگانه‌ای به هریک از این جمهوری‌ها اختصاص داده شده است که هریک از آنها به بررسی زمینه‌های سیاسی مربوطه، محیط نظارتی و قانونی کتونی، درگیری و مداخله دولت، و سازمان اقتصادی وابسته به سیستم رسانه‌ها می‌پردازند. نویسنده با جمع‌آوری اطلاعات از پاسخ‌دهندگان در جمهوری‌های مذکور و با تحقیق از کارمندان مؤسسه می‌کوشد تا مجموعه سودمندی از مطالب مهم به دست دهد. با وجود این، در حالی که نتیجه کار در مورد زمینه‌های سیاسی و حقوقی نسبتاً قوی است، اما در خصوص زمینه اقتصادی، نتیجه کار خیلی ضعیف است. افزودن بخشی به هر فصل درباره زمینه اقتصادی (در کنار مدخلی در حوزه سیاسی)، همچنین وجود اطلاعات بیشتری در مورد سازمان، نقش صنعت تبلیغات و الگوهای جدید مالکیت رسانه‌ها می‌توانست برای خوانندگان جدید مفید واقع شود. الگوهای نوین مالکیت رسانه‌ها، مسأله مهمی است که تنها در فصل مربوط به روسیه به تفصیل به آن پرداخته می‌شود، اما حتی در اینجا هم روابط بین رسانه‌ها و مراکز عمده مالی و صنعتی به صورت ناقص مورد بررسی قرار می‌گیرد. این غفلت نسبی از قدرت صاحبان صنایع و شرکتها در کتابی که آشکارا دلوایس تنوع رسانه‌هاست، غفلت بزرگی است.

پی نوشت:

1. The European union's
Technical Assistance
commonwealth of
Independent states Democracy
programme.

علی علی‌آبادی